

تحلیل گفتمان

طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»

DOI: 20.1001.1.24767220.1402.13.4.2.0

علیرضا قربانی^۱

عبدالکریم خیامی^۲

چکیده

طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی مجلس شورای اسلامی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین طرح‌های قانونی و اسناد سیاستی در حوزه حکمرانی و سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران دانست. اگرچه این طرح و نسخه‌های پیش و پس از آن تاکنون به سرانجام مشخصی در مجلس شورای اسلامی دست نیافته است، اما بررسی و تحلیل دقیق آن می‌تواند آموخته‌های سیاستی مهمی برای پژوهشگران و ذی‌ربطان این عرصه داشته باشد. پژوهش حاضر به دنبال آن است که از طریق روش تحلیل گفتمان این طرح را واکاوی کند و به گفتمان حاکم بر آن دست یابد. برای نیل به این مقصود از رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف، با تکیه بر شیوه نوآورانه والتون و بون استفاده شده است. نتایج این پژوهش در قالب ترسیم نقشه گفتمانی طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی ارائه شده است. بر این اساس، «حمایت از مردم» دال شناوری است که گفتمان حاکم بر طرح و نیز گفتمانی که به مثابه رقیب تعریف می‌کند بر سر آن در تنازع گفتمانی هستند. دال خالی مردم که در گفتمان حاکم بر طرح با عنوان مردم اخلاق‌گرا حضور دارد، محور اتصال دال‌های مرکزی حاکمیت و فضای مجازی داخلی است و دال‌های مرکزی امنیت، سلامت و استقلال نیز در نسبت با دال فضای مجازی داخلی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، طرح صیانت، طرح حمایت از حقوق کاربران، شورای عالی فضای مجازی، مجلس شورای اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۸ آذر ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۸ آذر ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۲۱ شهریور ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران (نویسنده مسئول)؛ a.r.ghorbani110@gmail.com

۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران.

مقدمه

• وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات^۱: وزارت ارتباطات و

فناوری اطلاعات در لایه‌های مختلف حکمرانی فضای مجازی اعم از سیاست‌گذاری و تنظیمگری حضور دارد. دو رکن مهم این وزارتخانه که در حکمرانی فضای مجازی نقش مهمی دارند عبارت‌اند از: کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی.

• سایر نهادها: علاوه بر نهادهای یادشده، نهادهای مختلفی همچون سازمان صداوسیما (از طریق سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی)،^۲ دادستانی (کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه ذیل آن فعالیت می‌کند) و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این زمینه نقش‌آفرینی می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران خلأ قانونی در این زمینه است. در مجلس شورای اسلامی، به‌غیر از قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) که پیش از ظهور فضای مجازی به شکل کنونی‌اش تدوین شده، تاکنون قانون خاصی در زمینه فضای مجازی تدوین نشده است (Computer Crime Law, 2009). همچنین درباره موضوعات مهمی همچون حفاظت از داده‌های کاربران و مسئولیت متقابل پلتفرم‌ها و کاربران تا به حال قانونی تدوین نشده است، در حالی که بسیاری از کشورهای دنیا از مدت‌ها قبل به این موضوعات ورود کرده‌اند و قوانین لازم را تدوین کرده‌اند. مثلاً می‌توان به قوانین حفاظت از داده اتحادیه اروپا^۳ اشاره کرد که در سال ۲۰۱۶ تدوین و از سال ۲۰۱۸ اجرایی شد (European Union, 2018). شورای عالی فضای مجازی شأن سیاست‌گذاری و مدیریت کلان را در زمینه حکمرانی فضای مجازی به عهده دارد و مصوبات آن در همین راستا بوده است و جایگزین قوانین مجلس نیست. به تعبیر دیگر، عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در این عرصه شورای عالی است که چهارچوب اقدامات سایر نهادها (از جمله مجلس شورای اسلامی و دولت) و نیز خط‌مشی‌های کلی را تعیین می‌کند و ورود مستقیم به عرصه قانون‌گذاری ندارد.

طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین اسناد قانونی در حوزه حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران است. این طرح در مسیر خود در مجلس شورای اسلامی تاکنون به سرانجام مشخصی نرسیده است، اما تحلیل دقیقش ذهنیت حاکم بر حامیان مستقیم و غیرمستقیم آن را، به‌مثابه جریان و نحله مهم از ذی‌ربطان و اثرگذاران در این عرصه، آشکار می‌کند و مقدمه‌ای بر شکل‌گیری مباحثات تخصصی است. علاوه بر این، بخش‌هایی از این طرح در قالب مصوبه شورای عالی فضای مجازی به شکل

اهمیت روزافزون و نقش پررنگ فضای مجازی در زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها سبب شده که حکمرانی فضای مجازی به یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی تبدیل شود.

نهادهای اصلی مرتبط به حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

• مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی به‌مثابه نهاد تقنینی عالی است که وظیفه قانون‌گذاری در این عرصه را بر عهده دارد.

• شورای عالی فضای مجازی: این شورا براساس حکم رهبر معظم انقلاب در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ تشکیل شد که متشکل از اعضای حقیقی و حقوقی متعددی است و ریاست آن را رئیس‌جمهور بر عهده دارد (The First Order of the Supreme Leader of Iran for the Supreme Council of Cyberspace, 2011). براساس حکم دوم رهبر معظم انقلاب (به تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۴) وظیفه سیاست‌گذاری، مدیریت کلان، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های لازم و بهنگام و همچنین نظارت و رصد کارآمد و روزآمد در این عرصه بر دوش این شورا قرار گرفته است (The second Order of the Supreme Leader of Iran for the Supreme Council of Cyberspace, 2015).

مرکز ملی فضای مجازی یکی از نهادهای مهم ذیل شورا است. مرکز ملی فضای مجازی براساس حکم اول رهبر انقلاب مبنی بر تشکیل شورای عالی فضای مجازی (به تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰) تشکیل شد. در بخشی از این حکم تصریح شده است که «این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور دایر کند تا اشراف کامل و به‌روز بر فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری درباره نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چهارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق

تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد.» (The First Order of the Supreme Leader of Iran for the Supreme Council of Cyberspace, 2011). ریاست مرکز ملی فضای مجازی بر عهده دبیر شورای عالی فضای مجازی است. ارکان اصلی مرکز ملی فضای مجازی براساس مواد ۶ و ۹ اساسنامه چنین بیان شده است: شورای عالی (به‌منزله مجمع و هیئت‌امنای مرکز)، رئیس مرکز (دبیر شورای عالی)، کمیسیون‌های عالی مرکز (جهت تصمیم‌سازی و تحقق مصوبات شورای عالی که اعضا و وظایف آن‌ها به تصویب شورای عالی می‌رسد) شامل: کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور، کمیسیون عالی ارتقای تولید محتوای فضای مجازی کشور، کمیسیون عالی امنیت فضای مجازی کشور (The Statutes of the National Center of Cyberspace of the Islamic Republic of Iran, 2012).

1. Information and Communications Technology (ICT)

۲. ساترا

3. General Data Protection Regulation (GDPR)

مبنتی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است که در آن، ضمن تولید، پالایش، ذخیره، پردازش و توزیع داده در تعامل با انسان، سپهرهای متعددی شکل می‌گیرد» (Firouzabadi, 2020: 20). براساس تعریف دیگری که مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی مطرح شده است، «فضای مجازی عبارت است از مجموعه نظام‌های اجتماعی که از تعامل افراد انسانی بر بستر شبکه (اتصال فناوری اطلاعات به وسیله فناوری ارتباطات) شکل می‌گیرد». از آنجایی که انسان‌ها این نحوه از تعامل را همچون طرق دیگر ارتباطاتی مؤثر می‌دانند، نظام‌های اجتماعی که شکل می‌گیرد در حکم نظام‌های اجتماعی عالم واقع است (فضای مجازی یعنی فضای حُکماً واقعی) (Azadi, 2018: 166).

مدل‌های متنوعی برای شناخت فضای مجازی در دسترس است که مدل‌های «لایه‌ای» همچون مدل کلارک یکی از آن‌ها هستند (Firouzabadi, 2020). مدل مفهومی فضای مجازی یکی از مدل‌های لایه‌ای است که در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران (خصوصاً اسناد شورای عالی فضای مجازی) بسیار پرکاربرد است و در سند «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» معرفی شده است (The master plan and architecture of the national information network, 2020). براساس این مدل، لایه‌های اصلی فضای مجازی عبارت‌اند از:

- لایه زیرساخت: شامل زیرساخت‌های ارتباطاتی (شبکه‌های دسترسی، شبکه‌های توزیع محتوا، شبکه‌های تجمیع، خدمات نام دامنه و غیره) و زیرساخت‌های اطلاعاتی (شامل مراکز داده، مراکز تبادل پیام و غیره)؛

- لایه خدمات: شامل خدمات نام و نشان‌گذاری، مدیریت هویت معتبر، خدمات پایه مکانی و نقشه، خدمات ابری و غیره؛
- لایه خدمات کاربردی: خدمات مسیرمحور و مکان‌یاب، خدمات تحلیل داده، خدمات هوش مصنوعی، خدمات اینترنت اشیا، خدمات دولت الکترونیک و غیره؛

- لایه محتوا: محتوای تصویر و ویدیو، محتوای واقعیت افزوده و مجازی، محتوای پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی و غیره.

۱-۲. حکمرانی

«حکمرانی عبارت است از سنت‌ها و نهادهایی که قدرت را در یک کشور برای خیر مشترک اعمال می‌کنند» (Kaufmann, 2005: 82). گذار از مفهوم سنتی «حکومت» به مفهوم «حکمرانی» مشتمل بر دو نکته اساسی است:

اولاً در فرایندهای اداره جامعه بازیگرانی خارج از دولت نیز ورود کرده‌اند. این بازیگران شبکه‌ای متشکل از بخش عمومی و خصوصی هستند که ذیل سلسله‌مراتب دولت قرار نمی‌گیرند؛ ثانیاً ساختار درونی دولت نیز پیچیده و چند سطحی شده است (Thompson, 2005). براساس تقسیم‌بندی‌ای معروف،

سند سیاستی رسمی به تصویب رسیده است و از این حیث نیز بررسی آن حائز اهمیت است. یکی از شیوه‌های تحلیل عمیق و کیفی این طرح کشف گفتمان‌های حاکم بر آن است که از طریق روش تحلیل گفتمان محقق می‌شود. به همین منظور، در پژوهش حاضر سعی شده است گفتمان این طرح تحلیل و واکاوی شود. بسیاری از روش‌های تحلیل گفتمان بر رابطه متن و قدرت تأکید ویژه دارند و از آنجا که طرح مذکور در فضای رقابت و تنازع اراده‌های گروه‌های متفاوت ذی‌نفع و ذی‌ربط مطرح است، روش تحلیل گفتمان روش خوبی برای تحلیل طرح است.

در پژوهش حاضر، از میان نسخه‌ها و پیش‌نویس‌های متعدد طرح «حمایت...» و طرح «نظام تنظیم مقررات...» که البته همگی در مضامین اصلی با یکدیگر مشترک‌اند، نسخه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰ برای تحلیل انتخاب شده است. این انتخاب به آن علت بود که طرح «حمایت...» کمتر از طرح «نظام تنظیم مقررات...» دستخوش تعدیل شد و بکرتر ماند و به همین جهت ذهنیت طراحان محترم را بهتر نشان می‌دهد. بین دو نسخه ۶ تیر و ۲۶ تیر از طرح «حمایت...»، نسخه ۲۶ تیر ترجیح داده شد، زیرا این نسخه رسمی‌تری بود که در مجلس طرح شد و دستور کار اولیه کمیسیون مشترک نیز بر پایه آن شکل گرفت، هرچند تفاوت‌های بین این دو نسخه نیز چندان زیاد نیست.

پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: گفتمان حاکم بر طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» چیست؟

۱. مبانی نظری

در پژوهش حاضر به علت اکتشافی و کیفی بودن از چهارچوب نظری خاصی استفاده نمی‌شود، ولی در تحلیل از نظریه گفتمان بهره گرفته شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. همچنین به مفاهیم پایه در زمینه حکمرانی فضای مجازی توجه شده است.

۱-۱. فضای مجازی

در سال‌های اخیر واژه Cyber space، که عمدتاً به «فضای مجازی» ترجمه شده، به واژه‌ای پرکاربرد تبدیل شده است. عباراتی همچون جامعه سایبری، حملات سایبری، دفاع سایبری، جنگ سایبری، تروریسم سایبری و ده‌ها واژه دیگر از این قبیل امروزه به عبارات پرتکرار تبدیل شده‌اند. تعاریف متعددی از فضای مجازی شده است. استریت تعاریف فضای مجازی را به سه دسته تقسیم کرده است: مرتبه صفر (هستی‌شناسی و زمان فضای مجازی)، مرتبه اول (فضای مجازی فیزیکی، مفهومی و ادراکی)، و مرتبه دوم (تلفیق سایبری با رسانه) (Strate, 1999). در برخی از تعاریف تلاش کرده‌اند هم‌زمان هم به ابعاد فناورانه و هم به ابعاد اجتماعی و انسانی فضای مجازی توجه کنند. بر پایه یکی از این تعاریف، «فضای مجازی فضایی فناورانه و پایه

۲-۱. تحلیل گفتمان

تعاریف متعددی برای گفتمان مطرح شده است. کامرون و پانویچ بر پایه آن تعاریف به سه مضمون اساسی دست یافته‌اند که عبارت‌اند از:

- ۱) گفتمان عبارت است از «زبان بالاتر از جمله»
 - ۲) گفتمان عبارت است از «زبان در حال کاربرد»
 - ۳) گفتمان شکلی از کرداری اجتماعی است که در آن زبان نقش اصلی را ایفا می‌کند (Cameron and Panovic, 2014).
- چنان‌که مشخص است، براساس برخی رویکردها، گفتمان ذیل زبان و براساس برخی دیگر، زبان ذیل گفتمان قرار می‌گیرد. حداقل بیش از هجده تعریف درباره تحلیل گفتمان از سوی اندیشمندان مختلف ارائه شده است، از جمله، فرکلاف تحلیل گفتمان را تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن می‌داند؛ به این ترتیب تحلیل گفتمان به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهای آن در امور انسانی منحصر نیست. ون‌دایک هدف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی را آشنایی با شیوه‌های بازتولید قدرت می‌داند و سه ضلع گفتمان، شناخت و جامعه را مدنظر قرار می‌دهد (Bashir, 2020). آسارگر، با بررسی برخی تعاریف ارائه‌شده، سه نکته را در آن‌ها شناسایی کرده است: «اولاً تحلیل گفتمان یک روش کیفی است. ثانیاً تحلیل گفتمان به ما کمک می‌کند تا اندرکنش‌های اجتماعی و شیوه تولید واقعیت اجتماعی را بفهمیم و دریابیم که واقعیت اجتماعی به وسیله گفتمان‌ها - به صورت درست‌تر، به وسیله سخن، متن و تصویر - تولید می‌شود؛ ثالثاً تحلیل گفتمان جامع‌تر از مؤلفه‌های اصلی آن یعنی تحلیل گفتم‌وشنود و تحلیل روایت است» (Berger, 2019: 274-275).

رویکردهای متنوعی به تحلیل گفتمان وجود دارد. بر اساس یک تقسیم‌بندی رایج، سه نوع تحلیل گفتمان وجود دارد:

۱. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا: پایه‌گذار این رویکرد زلیک هریس، زبان‌شناس ساخت‌گرای امریکایی، در ۱۹۵۲ بررسی واحدهای بزرگ‌تر از یک جمله را در کانون توجه خود قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید. براساس این رویکرد، گفتمان گفتار یا نوشتاری است که در سطحی بالاتر از جمله ظاهر می‌شود.
۲. تحلیل گفتمان نقش‌گرا: در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برخی زبان‌شناسان مفهوم بافت و زمینه را نیز وارد تحلیل گفتمان کردند و به زمان و مکانی که زبان در آن به کار رفته است نیز توجه کردند. این رویکرد به تحلیل گفتمان نقش‌گرا یا کارکردی معروف است.
۳. تحلیل گفتمان انتقادی: این رویکرد بر نقش قدرت و ایدئولوژی به مثابه امور فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمان توجه دارد. ون‌دایک، فرکلاف و فوکو را می‌توان از بنیان‌گذاران این رویکرد دانست (Bashir, 2020).

بیشتر رویکردهای تحلیل گفتمان، به‌رغم تفاوت‌هایی که با

مدل‌های حکمرانی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: حکمرانی سلسله‌مراتبی، حکمرانی به‌مثابه بازار و حکمرانی به‌مثابه شبکه (Meuleman, 2008).

۱-۳. حکمرانی فضای مجازی

بر پایه یکی از تعاریف، «حکمرانی فضای مجازی را می‌توان نحوه شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و استانداردهای رسمی و غیررسمی برای رفتار دولت و بازیگران غیردولتی (بخش خصوصی و نهادهای مدنی) در نسبت با فضای مجازی دانست» (Firouzabadi, 2020: 44). با الهام از تقسیم‌بندی گیلسپی (Gillespie, 2017: 255-263) درباره حکمرانی پلتفرم‌ها، می‌توان دو معنا برای اصطلاح حکمرانی فضای مجازی در نظر گرفت:

- ۱) حکمرانی به‌وسیله فضای مجازی به این معنا که حکومت‌ها و دولت‌ها برای انجام وظایف خود از فضای مجازی و سرویس‌ها و پلتفرم‌های مبتنی بر آن استفاده می‌کنند؛
 - ۲) حکمرانی فضای مجازی به این معنا که حکومت‌ها سیاست‌هایی را در جهت مدیریت لایه‌های مختلف فضای مجازی (اعم از زیرساخت، خدمات ارتباطی و اطلاعاتی، سرویس‌ها و پلتفرم‌ها و ساختار بازار حاکم بر آن‌ها و محتوا) وضع می‌کنند تا منافع عمومی جامعه را حفظ کنند و امنیت و رفاه جامعه را تضمین کنند.
- می‌توان گفت دو رویکرد کلان به حکمرانی فضای مجازی عبارت‌اند از:

- الف) رویکرد مضیق (نگاه امریکایی): حکمرانی محدود به لایه فنی و زیرساختی فضای مجازی است و نظام‌های اجتماعی‌ای که در بستر فضای مجازی شکل می‌گیرد تا حد زیادی از دامنه شمول حکمرانی خارج است.
- ب) رویکرد موسع (نگاه بخشی از کشورهای اروپایی، ایران، روسیه و چین): حکمرانی محدود به لایه‌های فنی و زیرساختی نیست و نظام‌های اجتماعی شکل‌گرفته در فضای مجازی و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط به آن نیز در شمول وظایف و اختیارات نظام حکمرانی است (Firouzabadi, 2020).

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر ماهیتی اکتشافی دارد و به دنبال اثبات فرضیه پیشینی نیست. در پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان، که یکی از روش‌های تحلیل کیفی است، استفاده شده است. فرض بر این است که طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» به منزله متنی است که گفتمان یا گفتمان‌هایی در آن متبلور شده‌اند و سعی بر آن است که از طریق تحلیل گفتمان این گفتمان‌ها کشف شود.

مهم‌ترین مفاهیم رویکرد تحلیلی لاکلا و موف عبارت‌اند از:

۱. مفصل‌بندی: هرگونه عملی که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند به نحوی که هویتشان در نتیجه آن تغییر می‌کند.
۲. گفتمان: کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی که می‌توان آن را تثبیت معنا درون قلمرویی خاص دانست. این عمل از طریق طرد تمامی معنای‌های دیگری که نشانه می‌توانست داشته باشد (دیگر روابط ممکن) صورت می‌گیرد. به این ترتیب گفتمان تلاشی است برای ممانعت از لغزش نشانه‌ها از جایگاهشان نسبت به یکدیگر.

۳. لحظه یا وقته: مواضع مبتنی بر تفاوت زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند. با الهام از استعاره تور ماهیگیری برای توضیح سیستم زبانی سوسور، وقته‌ها همان گره‌های تور ماهیگیری هستند.

۴. عنصر: هر تفاوتی که به شکل گفتمان مفصل‌بندی نشده باشد. عناصر نشانه‌هایی هستند که معانی‌شان تثبیت نشده و این خطر هست که در گفتمان‌های متخاصم مفصل‌بندی شوند و وحدت معنایی گفتمان فعلی را مخدوش کنند.

۵. گره‌گاه‌ها / دال‌های مرکزی: نشانه متمایزی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و معنایشان را از ارتباط با آن می‌گیرند، مثلاً در گفتمان پزشکی نوین «بدن» گره‌گاهی است که نشانه‌هایی همچون بافت، جمجمه و علائم بیماری معنایشان را از آن می‌گیرند. این نشانه‌ها خودبه‌خود محتوایی ندارند. درواقع «بدن» تا وارد یک گفتمان نشود، معنایی ندارد.

۶. بند یا بست: هر گفتمان یک بست ایجاد می‌کند؛ یعنی باعث توقفی موقت در نوسان معنای نشانه می‌شود و درصدد است عناصر را به وقته‌ها تبدیل کند و از ابهام آن‌ها بکاهد، هرچند با توفیق کامل همراه نیست.

۷. میدان گفتمان‌گونگی: مخزنی برای نگهداری مازاد معنای تولیدشده از طریق عمل مفصل‌بندی، یعنی طرد سایر معانی ممکن برای نشانه از طریق حضور در مفصل‌بندی‌های بدیل است.

۸. دال شناور: این اصطلاح به کشمکش جاری میان گفتمان‌های مختلف برای تثبیت نشانه‌های مهم اشاره دارد. به‌عنوان مثال، بدن از یک سو گره‌گاهی در گفتمان پزشکی نوین است و از سوی دیگر دالی سیال در کشاکش میان این گفتمان و گفتمان طب سنتی است.

یکدیگر دارند، در مفروضات اصلی روش‌شناختی با یکدیگر مشترک‌اند. بسیاری از این روش‌ها مبتنی بر برساخت‌گرایی اجتماعی هستند. برساخت‌گرایی مجموعه متنوعی از نظریه‌های جدید راجع به فرهنگ و جامعه است. تحلیل گفتمان فقط یکی از رویکردهای ذیل برساخت‌گرایی است. این رویکردها در چهار پیش‌فرض مشترک‌اند: رویکرد انتقادی به دانش بدیهی انگاشته‌شده، پذیرش تاریخ‌مند و فرهنگ‌مند بودن شناخت‌های انسان، پیوند میان دانش و فرایندهای اجتماعی، پیوند میان دانش و کنش اجتماعی (Jørgensen and Phillips, 2021).

یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان، که ذیل تحلیل گفتمان انتقادی قرار می‌گیرد، رویکردی است که ارنست لاکلا و همسرش، شانتال موف، بنیان نهادند. این دو برای شکل‌دهی به این نظریه از نظریه ساختارگرایی سوسور، پساساختارگرایی دریدا، دیدگاه‌های گرامشی، آلتوسر، لاکان، فوکو و دیگران بهره برده‌اند. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف در کتاب آن‌ها با نام «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» تبیین شده است (Laclau and Mouffe, 2001). پژوهش حاضر از این رویکرد برای تحلیل گفتمان استفاده می‌کند.

۲-۲. نظریه و روش تحلیل گفتمان براساس رویکرد لاکلا و موف

براساس رویکرد لاکلا و موف، هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی به‌مثابه برساختی اجتماعی است. طرح کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند، معانی ثابت دائمی ندارند و کشمکش‌های همیشگی درباره آن‌ها مطرح است. لاکلا و موف با تلفیق سنت نظری مارکسیسم (برای شناخت جامعه) و سنت نظری ساختارگرایی و پساساختارگرایی زبانی (برای شناخت معنا و زبان) کل حوزه اجتماعی را به‌مثابه شبکه‌ای از فرایندها تصویر کرده‌اند که معنا درون آن خلق می‌شود (Jørgensen and Phillips, 2021: 52). در نظریه ساختارگرایی زبانی سوسور زبانی از نشانه‌های به‌هم‌وابسته است که معنای هر یک از آن‌ها صرفاً از وجود هم‌زمان و ارتباط با سایر اجزای سیستم زبانی منتج می‌شود (Laughey, 2017). پساساختارگرایان می‌پذیرند که نشانه‌ها معنای خود را از تفاوت با یکدیگر می‌گیرند، اما در کاربرد روزمره، نشانه‌ها به شکل‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و معانی جدید پیدا می‌کنند. بر این اساس، در زندگی اجتماعی مدام در حال خلق معانی تازه از نشانه‌ها هستیم که البته هیچ‌گاه به ثبات کامل منجر نمی‌شود؛ این نقطه تمایز بین نگاه ساختارگرایی و نگاه پساساختارگرایی است. در تحلیل گفتمان بر مبنای این دیدگاه، تلاش می‌شود کیفیت تثبیت معنای نشانه‌ها و فرایندهای تثبیت‌کننده موقت معنا و تبدیل آن به امری بدیهی نشان داده شود (Jørgensen and Phillips, 2021).

1. Articulation
2. Moment
3. Differential positions
4. Element
5. Nodal points
6. Closure
7. field of discursivity
8. Floating signifier

گفتمان‌های مهم درگیر تنظیم می‌کند. علاوه بر این، تهیه خلاصه‌ای از تعارض به حفظ نگاه کل‌نگرانه کمک می‌کند.

۳. گام سوم (شناسایی مهم‌ترین گفتمان‌های متخاصم): با شناسایی دال شناور، گام بعدی شناسایی مفصل‌بندی‌های گفتمانی اصلی است که در دو طرف تعارض قرار دارند. تجزیه و تحلیل این بازنمایی از تعارض در دو بعد بررسی می‌شود: بعد اول شناسایی دال‌های مرکزی در یک گفتمان است که به یکدیگر به مثابه زنجیره دلالت پیوند خورده‌اند؛ دال‌های خالی به مانند نقاط گره اصلی عمل می‌کنند. بعد دوم شناسایی کیفیت‌های حضور و غیاب است؛ معنایی که به مثابه امر «حاضر» مطرح می‌شود به هویت شکل می‌دهد و معنایی که به مثابه امر «غایب» مطرح می‌شود آن را تهدید می‌کند.

۴. گام چهارم (تجزیه و تحلیل سازماندهی هر گفتمان): با شناسایی دال‌های خالی که به عنوان نقاط گره کلیدی عمل می‌کنند، گام بعدی در تحلیل بررسی زنجیره‌های هم‌ارزی است که روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهند و به آن سازمان می‌بخشند. مثلاً در مطالعه والتون و بون درباره تحلیل گفتمان‌های مرتبط به مدیریت جنگل‌های بلوط در نیوزیلند، گفتمان حامی مدیریت جنگل زنجیره هم‌ارزی‌ای میان این نقاط گره‌ای شکل می‌دهد: شرکتی خصوصی به مثابه سازمان معتمد برای مدیریت جنگل، جنگل‌های ساحل غربی به مثابه منبعی برای چوب‌بری پایدار، ساکنان ساحل غربی به مثابه ذی‌نفعان حفاظت از جنگل، چوب‌بری پایدار به مثابه روشی برای حفظ جنگل‌ها.

۵. گام پنجم (سوژگی):^۴ هدف از این مرحله آن است که بررسی شود متون چگونه موجب خلق و تحریک افراد (سوژه‌ها) می‌شوند. در نظریه گفتمان لاکلا و موف، از هویت سوژه بر پایه فرض عدم ذات‌گرایی بحث می‌شود. سوژه در جایی ظهور می‌کند که «بی‌جاشدن»^۵ رخ دهد؛ یعنی در نقطه‌ای که معنای و هویت‌ها از موقعیت‌های موضوعی ساختاری خود رها شوند و امکان معنادگی دوباره فراهم شود. در این وضعیت است که سوژگی‌کنیویته‌های سیاسی با حاضرکردن یک معنا و هویت (درباره آنچه مثبت می‌پندارند) یا غایب‌کردن آن (درباره آنچه منفی می‌پندارند) وارد نبرد گفتمانی می‌شوند. والتون و بون در مطالعه مذکور، این حضور و غیاب را درباره سوژه‌هایی همچون ساکنان ساحل غربی، بقیه مردم و سیاستمداران بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند چگونه در هر گفتمان به سوژه‌هایی اعتنا می‌شود و سوژه‌هایی نادیده گرفته می‌شوند.

۶. گام ششم (بستن هژمونیک): این مرحله معطوف به این مسئله است که چگونه هر مفصل‌بندی گفتمانی می‌تواند معنای دال شناور را تثبیت کند. دال شناور بر ماهیت احتمالی و رقابتی

۹. زنجیره‌های هم‌ارزی:^۱ این مفهوم به معنابخشیدن به دال‌های مرکزی (گره‌گاه‌ها) اشاره دارد. دال‌های مرکزی فی‌نفسه هیچ معنایی ندارند و هنگامی معنا پیدا می‌کنند که از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی با نشانه‌های دیگر ترکیب شوند. به عنوان نمونه «لیبرال دموکراسی» از طریق ترکیب با سایر دال‌های مرکزی همچون انتخابات و آزادی بیان معنا پیدا می‌کند (Jørgensen and Phillips, 2021).

در نظریه گفتمان براساس این رویکرد سعی بر این است که بر ظرفیت‌های یک بیان خاص به مثابه یک مفصل‌بندی تمرکز شود؛ یعنی بر اینکه این بیان با قراردادن عناصر در رابطه‌ای خاص چه معنایی را ایجاد و چه معنایی را طرد می‌کند. بر این اساس، ابتدا دال‌های مرکزی (گره‌گاه‌ها) شناسایی می‌شوند و سپس بررسی می‌شود که در گفتمان‌های رقیب درباره معنای کدام نشانه‌ها (دال‌های سیال) کشمکش دارند و آن‌ها چگونه این دال‌های سیال را تعریف می‌کنند و نیز معنای کدام نشانه‌ها نسبتاً تثبیت شده است و درباره‌اش نزاعی نیست (Jørgensen and Phillips, 2021).

لاکلا و موف در آثارشان به دنبال نظریه‌سازی هستند و به همین علت، ابزارهای عملی چندانی برای تحلیل گفتمان‌های متن‌محور ارائه نمی‌کنند (Jørgensen and Phillips, 2021). تلاش‌های مختلفی برای تدوین چهارچوب برای ارائه نتایج تحلیل گفتمان به روش لاکلا و موف شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش توماسن^۲ (2005) اشاره کرد. یکی از بهترین چهارچوب‌های مطرح شده در این زمینه از سوی والتون و بون بوده است که در نمودار ۱ نشان داده شده است (Walton and Boon, 2014). این چهارچوب برای استفاده از نظریه گفتمان برای تحلیل تعارض‌های بین سازمانی تدوین شده، اما برای موارد دیگر نیز کاربردی است.

۲-۳. چهارچوب والتون و بون برای تحلیل گفتمان به روش لاکلا و موف

تحلیل گفتمان در چهارچوب والتون و بون^۳ شامل اجرای شش گام است:

۱. گام اول (ساخت داده‌ها): در تحلیل گفتمان، واحد اساسی تحلیل متن است. در این مرحله متن یا متونی گردآوری می‌شود که تحلیل گفتمان بر روی آن‌ها انجام می‌شود.

۲. گام دوم (تدوین طرح کلی از رویدادها): گام دوم شامل نوشتن خلاصه‌ای توصیفی از رویداد است. این خلاصه سند مهمی برای تحلیل در نظر گرفته می‌شود. این خلاصه هم امکان درک کلی از رویدادها را فراهم می‌کند و هم الگویی برای بررسی

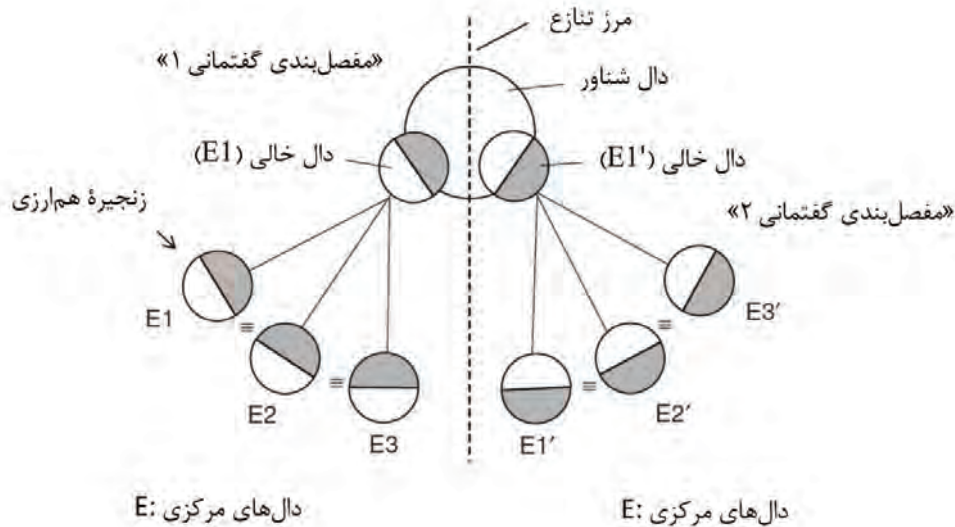
1. Equivalence chains

2. Thomassen

3. Walton and Boon

4. Subjectivity

5. dislocation



نمودار ۱: چهارچوب تحلیل گفتمان پیشنهادی والتون و بون براساس رویکرد لاکلا و موف (Walton and Boon, 2014)

خود کاملاً رها شده و فانی در «وجود ارتباطی» خویش شود. به بیان لاکلا نقش دال خالی این است که برآورده کننده نیاز به یک معادل کلی (نمایانگر زنجیره به مثابه یک کل) شود. دال خالی (که خود یکی از دال‌های مرکزی است) این نقش را به عهده می‌گیرد که از تفاوت‌ها خالی شود و نمایانگر کل زنجیره هم‌ارزی (به مثابه یک کل) باشد (Walton and Boon, 2014).

۲-۴. طرح تحقیق

در چهارچوب والتون و بون، گام‌های اول تا پنجم معطوف به ارائه تحلیلی از وضعیت کنونی تنازع گفتمانی و گفتمان‌های رقیب است، اما در گام ششم کانون توجه از ساختارهای ایستا به سمت بررسی کنش متقابل و رقابت پویای میان گفتمان‌ها در طول زمان تغییر می‌کند و با تمرکز بر نحوه تثبیت موقت یکی از معانی دال شناور، بررسی می‌شود که چگونه در طول زمان گفتمانی بر گفتمانی دیگر مقدم می‌شود و موقتاً هژمونی ایجاد می‌کند. نقشه گفتمانی ارائه شده از سوی چهارچوب والتون و بون نیز نتیجه پنج گام نخست است.

از آنجا که هدف پژوهش ارائه تصویری از گفتمان حاکم بر طرح حمایت است و فرایند رقابت این گفتمان با گفتمان رقیبش در طول زمان و نیز سرنوشت این رقابت مورد توجه نیست، صرفاً از پنج گام نخست و دستیابی به نقشه گفتمانی در طرح تحقیق استفاده می‌شود.

طرح تحقیق برای پژوهش حاضر مبتنی بر چهارچوب والتون و بون شامل پنج گام است:

۱. گام اول: ساخت داده‌ها
۲. گام دوم: تدوین طرح کلی از رویدادها
۳. گام سوم: شناسایی مهم‌ترین گفتمان‌های متخاصم

گفتمان تأکید می‌کند و هژمونی نشان می‌دهد که جنبه‌های اجتماعی، علی‌رغم این رقابت و احتمال، تثبیت می‌شوند (Walton and Boon, 2014).

چنان‌که در نمودار ۱ مشخص است، تضاد واضح دو گفتمان در سطح دال شناور رخ می‌دهد و هریک از دو گفتمان تلاش دارند آن را در مفصل‌بندی خاص خود جای دهند و معنای موردنظر خود را به آن ببخشند. در درون هر گفتمان راهبردهای دلالتی خاصی وجود دارد. این راهبردها بر تشکیل زنجیره‌های هم‌ارزی در دال‌های مرکزی متمرکزند. در نمودار ۱، مفصل‌بندی گفتمانی شماره ۱ شامل زنجیره هم‌ارزی است که مشتمل بر دال‌های مرکزی E1, E2, E3 است. متقابلاً در مفصل‌بندی گفتمانی شماره ۲ زنجیره هم‌ارزی دیگری مشتمل بر دال‌های مرکزی E1', E2', E3' وجود دارد. هریک از دال‌های مرکزی، که به شکل دایره نشان داده شده، به صورت ترکیبی از سیاه و سفید به تصویر کشیده شده که نشان‌دهنده بعد حضور و غیاب است. چنان‌که در نمودار ۱ مشخص است، دال‌های مرکزی دو نوع مفصل‌بندی در دو طرف مرز، با یکدیگر به لحاظ بعد حضور و غیاب، متفاوت‌اند؛ مثلاً بخش حاضر E1 در E1' غایب است و بخش غایب E1 در E1' حاضر است. به این ترتیب سطح دیگری از تضاد بین دو گفتمان آشکار می‌شود؛ هر گفتمان معنایی را حاضر می‌کند و گفتمان دیگر آن را غایب می‌کند. مفهوم دیگری که در نمودار ۱ استفاده شده، دال خالی است. چنان‌که لاکلا بیان کرده، فقط در صورتی که دال‌ها خود را از دل‌بستگی به مدلول‌های خاص خالی کنند و نقش بازنمایی «به‌طور خالص جزئی از سیستم بودن» را به عهده بگیرند، چنین دلالتی ممکن است (Walton and Boon, 2014). به تعبیر دیگر، به دالی نیاز است که از «وجود فی‌نفسه»

۳. فصل سوم: شرایط و ضوابط عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی

ماده ۱۲: شرایط و ضوابط عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی

۴. فصل چهارم: حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی

ماده ۱۳: صندوق حمایت از خدمات پایه کاربردی

ماده ۱۴: درآمدها و هزینه‌های صندوق

ماده ۱۵: دستورالعمل اجرایی پرداخت حق‌السهم تولیدکننده محتوای داخلی و ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی داخلی

ماده ۱۶: تعیین خدمات پایه کاربردی مشمول حمایت

ماده ۱۷: حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی از طریق تعیین حداقل سهم ترافیک برای سرویس‌های داخلی

ماده ۱۸: ممنوعیت یا محدودیت خدمات پرداخت در خدمات پایه کاربردی بدون مجوز و خارجی

ماده ۱۹: وضع مقررات ارائه خدمات پرداخت الکترونیکی در بستر خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی

ماده ۲۰: ممنوعیت تبلیغ و ترویج خدمات پایه کاربردی خارجی فاقد مجوز

ماده ۲۱: ممنوعیت ارائه خدمات دستگاه‌های اجرایی در خدمات پایه کاربردی بدون مجوز

ماده ۲۲: ممنوعیت استفاده دستگاه‌های اجرایی از خدمات پایه کاربردی خارجی برای مکاتبات و غیره، مگر در موارد دارای مجوز

ماده ۲۳: امکان استفاده خدمات پایه کاربردی داخلی از خدمات عمومی و دولت الکترونیکی

ماده ۲۴: اختیار کمیسیون برای افزایش و کاهش عوارض ورودی روی تجهیزات الکترونیکی وارداتی، براساس اینکه به‌صورت پیش‌فرض خدمات پایه کاربردی خارجی بدون مجوز یا داخلی را نصب کرده‌اند.

۵. فصل پنجم: تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی

ماده ۲۵: تکالیف ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی در قبال کاربران و مصالح عمومی (چهارده مورد)

ماده ۲۶: الزام ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی به تبعیت از مصوبات کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه

۶. فصل ششم: مسئولیت‌ها و ضمانت اجراها

ماده ۲۷: تعیین مواد و بندهایی از طرح که اشخاص در صورت نقض آن‌ها مشمول ضمانت اجرای ماده ۲۸ می‌شوند و نیز سازوکار تشخیص نقض (هیئتی مرکب از

۴. گام چهارم: تجزیه و تحلیل سازماندهی درونی هر گفتمان

۵. گام پنجم: سوژگی

در ادامه، مراحل اجرای تحلیل گفتمان مبتنی بر پنج گام مذکور و نتایج آن مطرح می‌شود.

۳. اجرای تحلیل گفتمان

۳-۱. گام اول: ساخت داده‌ها

در این مرحله، متن «طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»، به‌عنوان متنی که تحلیل گفتمان بر روی آن انجام می‌شود، انتخاب شد. از آنجا که هدف از پژوهش حاضر، دستیابی به گفتمان حاکم بر طرح حمایت است و شناخت سایر گفتمان‌ها موردنظر نیست. به‌جای آنکه دو دسته متن انتخاب شود که هریک یکی از گفتمان‌های متنازع را نمایندگی کند، متن طرح حمایت که درصدد ارائه یک گفتمان و نفی گفتمان دیگر است، تحلیل شده است. پیش‌فرض روش لاکلا-موف آن است که گفتمان‌ها اساساً در نسبت با گفتمان رقیب و متنازع تعریف می‌شوند و همواره نبردی در سطح گفتمان‌ها برای معنادهی به دال‌ها برقرار است. به همین علت، هر متنی که دلالتی بر یک گفتمان دارد، روایتی از گفتمان رقیب خود نیز ارائه می‌دهد و در این نسبت است که خود را تعریف می‌کند.

گام اول در تحلیل طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی، آشنایی با فصول و محورهای آن است. این طرح شامل ۶ فصل و ۳۷ ماده است که عبارت‌اند از:

۱. فصل اول: کلیات

ماده ۱: تعاریف و اصطلاحات

ماده ۲: موارد مشمول مفاد این قانون

۲. فصل دوم: تنظیم‌گری

ماده ۳: اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات

ماده ۴: وظایف کمیسیون

ماده ۵: اختیارات کمیسیون

ماده ۶: اصلاح قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

ماده ۷: الزام وزارت ارتباطات به ایجاد خدمات پایه کاربردی موردنیاز کشور (در صورت اقدام نکردن بخش غیردولتی)

ماده ۸: تعریف کمیسیون تنظیم مقررات وزارت ارتباطات ذیل کمیسیون عالی تنظیم مقررات شورای عالی

ماده ۹: تشکیل کارگروه مدیریت گذرگاه ایمن مرزی

ماده ۱۰: شیوه تعیین نظام دسترسی، تکالیف و آیین‌نامه‌های مرتبط به گذرگاه ایمن مرزی

ماده ۱۱: شیوه اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی (ممنوعیت شنود بدون حکم قانونی) در فضای مجازی

در ۶ تیرماه ۱۴۰۰ پیش‌نویس اول طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» از سوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی منتشر شد (Mehr, News Agency, 2021a). پس از انتقادات مختلفی که به این پیش‌نویس مطرح شد، طراحان طرح نسخه اصلاح‌شده‌ای از آن را با همان نام در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰ منتشر کردند (Mehr, News Agency, 2021b). در تاریخ ۶ مرداد ۱۴۰۰ نمایندگان مجلس بررسی طرح حمایت را در دستور کار قرار دادند و با رأی موافق نمایندگان مقرر شد به‌جای بررسی این طرح در صحن مجلس، براساس اصل ۸۵ قانون اساسی، بررسی طرح مذکور سپرده شود به کمیسیون مشترک و ویژه‌ای که در این موضوع تشکیل می‌شود (Islamic Council Research Center, 2021). در مواردی که اختیار تقنین براساس اصل ۸۵ به کمیسیون‌های داخلی مجلس (کمیسیون ویژه) تفویض می‌شود، کمیسیون مربوط درباره طرح تصمیم‌گیری می‌کند و در صحن مجلس صرفاً برای تعیین مدت اجرای آزمایشی طرح رأی‌گیری انجام می‌شود. به‌این ترتیب، طرح مذکور به‌شکل قانونی آزمایشی با دوره اجرای مشخص به تصویب می‌رسد (Article 85 of the Islamic Republic of Iran's Constitution, 2011). بر همین اساس، کمیسیون ویژه‌ای تشکیل شد و بررسی طرح را در دستور کار قرار داد. هم‌زمان، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به تهیه پیش‌نویس دیگری برای این طرح اقدام کرد که طی مجموعه تعامل‌هایی با کمیسیون ویژه و مرکز ملی فضای مجازی نهایتاً این پیش‌نویس به‌جای پیش‌نویس اول در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. در این پیش‌نویس، نام طرح به «نظام تنظیم مقررات فضای مجازی» تغییر پیدا کرد و موادی از آن دستخوش برخی تغییرات شد. شایان ذکر است که نسخه‌های متعددی از طرح «نظام تنظیم مقررات فضای مجازی» وجود دارد که حاصل ویرایش‌های مختلف آن است و در منابع به‌صورت غیررسمی منتشر شده است. در تاریخ ۳ اسفند ۱۴۰۰ کلیات طرح «نظام تنظیم مقررات فضای مجازی» در کمیسیون ویژه به تصویب رسید و بررسی جزئیات آن به ادامه جلسات موکول شد (IRNA News, Agency, 2021). پس از آن ۱۸۵ نفر از نمایندگان در نامه‌ای خطاب به هیئت‌رئیس مجلس تقاضای بازگشت طرح از کمیسیون ویژه به صحن مجلس را مطرح کردند (ISNA News Agency, 2022). در ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ در جلسه غیرعلنی مجلس درباره بازگشت طرح به صحن مجلس رأی‌گیری استمرجایی انجام شد که ۱۲۰ نماینده موافق آن بودند و در مقابل، ۱۰۹ نماینده به آن رأی ندادند. البته پس از آن بحث‌های حقوقی متعددی درباره الزام‌آور بودن یا نبودن نتیجه این رأی‌گیری مطرح شد و باز هم سرنوشت طرح در هاله‌ای از ابهام باقی ماند (Alef News Agency, 2022). از آن تاریخ تاکنون، هنوز این طرح به سرانجام مشخصی

۳ قاضی و ۲ متخصص فضای مجازی) ماده ۲۸: تعیین ضمانت اجرای تخلفات مذکور در ماده ۲۷ شامل جریمه نقدی، محرومیت از ارائه خدمات، مسدودسازی و غیره و نیز تعیین محل هزینه درآمدهای حاصل از اخذ جرایم نقدی ماده ۲۹: مسئولیت‌نداشتن خدمات پایه کاربردی در قبال کاربری‌های غیرمجاز کاربران ماده ۳۰: تعیین هیئت تجدیدنظر، شامل دو قاضی دیوان عالی کشور و یک نماینده از نظام صنفی رایانه‌ای ماده ۳۱: تدوین دستورالعمل نحوه تشکیل هیئت‌های رسیدگی و نحوه اعمال ضمانت اجراها از سوی کمیسیون ماده ۳۲: تعیین مجازات انفصال از خدمات دولتی و عمومی برای مسئولان مرتکب به تخلفاتی در رابطه با اجرای این قانون (از جمله: امتناع دبیر کمیسیون از تشکیل جلسات) ماده ۳۳: تعیین مجازات حبس و جزای نقدی برای فعالیت تجاری در زمینه عرضه وی‌پی‌ان و فیلترشکن ماده ۳۴: تعیین مجازات حبس برای متخلفان در زمینه حفظ و صیانت از داده‌های کاربران ماده ۳۵: تشدید مجازات تخلفات مذکور در مواد قبل در صورتی که متخلف مشمول سایر قوانین نیز شود ماده ۳۶: تعیین مجازات درجه پنج یا شش مقرر در قانون مجازات اسلامی (انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال) برای مسئولانی که مصوبات شورای عالی یا کمیسیون را اجرا نکنند یا با تأخیر و ناقص اجرا کنند. ماده ۳۷: لزوم اجرای مصوبات شورای عالی در زمینه شبکه ملی اطلاعات و خدمات پایه کاربردی از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در زمان مقرر

۲-۳. گام دوم: تدوین طرح کلی از رویداد (خلاصه توصیفی)

گام دوم چهارچوب والتون و بون نوشتن خلاصه‌ای توصیفی از رویداد است. طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» (نسخه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰) مهم‌ترین تلاش مجلس شورای اسلامی در جهت قانون‌گذاری فضای مجازی قلمداد می‌شود. پیشینه این طرح بازمی‌گردد به طرحی که در نخستین روزهای مجلس یازدهم در تیرماه ۱۳۹۹ با نام طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» اعلام وصول شد (The bill for the protection of the rights of users in cyberspace and the organization of social messengers, 2020)؛ هرچند این دو طرح تفاوت‌های متعدد و بعضاً اساسی با یکدیگر دارند.

از کاربران...» دلالت مهمی در حوزه نظریهٔ هنجاری رسانه‌ها دارد. مقصود از نظریهٔ هنجاری رسانه‌ها این است که «رسانه‌ها باید یا انتظار می‌رود که چگونه باشند» (McQuail, 2006: 160). نظریهٔ هنجاری رسانه‌ها، انعکاس رویکردهای کلان نظام ایدئولوژیک را در عرصهٔ رسانه‌ها نشان می‌دهد. فوکویاما و گروتو معتقدند نظام هنجاری کشورها در حوزه حکمرانی فضای مجازی و رسانه‌های آن از مثبت‌اندیشی یا منفی‌اندیشی دربارهٔ سه رکن «حاکمیت»، «مردم» و «بخش خصوصی» منبعث است. آن‌ها در مطالعهٔ خود در مقایسهٔ بین حکمرانی فضای مجازی در امریکا و اروپا نشان می‌دهند که در امریکا بخش خصوصی عنصر خیر و حاکمیت عنصر شر تلقی می‌شود، اما در برخی رویکردهای اروپایی به حکمرانی فضای مجازی، حاکمیت عنصر خیر و بخش خصوصی عنصر شر است و حاکمیت وظیفه دارد از مردم در برابر بخش خصوصی محافظت کند (Fukuyama and Grotto, 2020: 207-210). براساس همین چهارچوب، استفاده از عناوینی همچون حمایت و صیانت نشان‌دهندهٔ رویکرد ایدئولوژیک و نگاه هنجاری به حوزه حکمرانی فضای مجازی است. بر اساس این رویکرد، حاکمیت به‌عنوان حامی مردم در مقابل خطراتی همچون پلتفرم‌های خارجی تلقی می‌شود.

اصطلاح گذرگاه ایمن مرزی: در مادهٔ ۱ این طرح، به‌مانند همهٔ طرح‌ها و قوانین دیگر، اصطلاحاتی تعریف شده است. مهم‌ترین اصطلاحی که در این بخش تعریف شده و واجد دلالت‌هایی برای تحلیل گفتمان است، واژهٔ «گذرگاه ایمن مرزی» است. این واژه در نسخهٔ قبلی طرح به‌صورت «گذرگاه مرزی» به کار رفته است و می‌توان اضافه‌شدن قید «ایمن» به آن را در جهت افزودن بار مثبت به آن دانست. در تعریف این اصطلاح در مادهٔ مذکور چنین ذکر شده است: «مجموعهٔ نقاط اتصال شبکهٔ ارتباطی خارج از کشور به داخل و بالعکس که از طریق آن‌ها دسترسی انجام شده و تبادل داده جریان می‌یابد.» براساس تعریف مذکور مقصود از گذرگاه ایمن مرزی همان گیت‌وی است. «درگاه‌های اینترنت (گیت‌وی‌ها) را می‌توان اولین نقطهٔ در ورود اینترنت به کشور به حساب آورد. پس از این مرحله، ترافیک ورودی به شبکهٔ گیت‌وی‌ها از طریق ارتباطات اپراتورها (اپراتورهای سیار و ارتباطات ثابت) به کاربران نهایی تحویل داده می‌شود» (Nazemi, 2021). تا پیش از این طرح، اداره و تصمیم‌گیری دربارهٔ گیت‌وی در اختیار وزارت ارتباطات بود. مطابق مادهٔ ۹ طرح حمایت، اختیار تصمیم‌گیری در مورد گیت‌وی به کارگروهی متشکل از رئیس مرکز ملی فضای مجازی (ریاست کارگروه) و نمایندگان ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان پدافند غیر عامل و قوه قضائیه سپرده شده است. گیت‌وی در زبان فارسی به واژگانی همچون دروازه و گذرگاه ترجمه می‌شود، اما در

در مجلس شورای اسلامی نرسیده است. در شهریورماه ۱۴۰۱ شورای عالی فضای مجازی سندی با عنوان «شرح وظایف، اختیارات و ترکیب اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» را که مصوبهٔ جلسهٔ مورخهٔ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ آن شورا بود، برای اجرا ابلاغ کرد (Description of the duties of the High Regulatory Commission, 2022). مضامین اصلی این مصوبه تا حد زیادی همان مضامین اصلی طرح نظام تنظیم مقررات فضای مجازی است. به همین علت شاید بتوان این مصوبهٔ شورا را بدیلی برای تلاش ناکام برای تصویب طرح نظام تنظیم مقررات در مجلس دانست.

۳-۳. گام سوم (شناسایی مهم‌ترین گفتمان‌های متخاصم)

در گام سوم، ابتدا دال شناور و پس از آن، مفصل‌بندی‌های گفتمانی که در دو طرف تعارض قرار دارند، شناسایی می‌شوند و دال‌های خالی، مرکزی و کیفیت‌های حضور و غیاب استخراج می‌شوند. این گام را می‌توان مهم‌ترین گام در ترسیم نقشهٔ گفتمانی دانست، اما با این حال، روش لاکلا-موف و نیز چهارچوب والتون و بون، تکنیک جزئی‌تری برای اجرای این گام ارائه نمی‌کند. به همین علت، برای تسهیل در پیاده‌سازی این گام و شناسایی مهم‌ترین گفتمان‌های متخاصم، در مرحلهٔ اول، متن در سطح واژگان و سپس در سطح ساختارها و تنازع‌های حاکم بر آن تحلیل می‌شود و در مرحلهٔ دوم، مبتنی بر نتایج حاصل از تحلیل متن، دال شناور، دال‌های خالی و دال مرکزی شناسایی می‌شوند.

۳-۳-۱. مرحلهٔ اول از گام سوم: تحلیل متنی

۳-۳-۱-۱. واژگان

در این سطح واژگانی که واجد دلالت‌هایی برای شناسایی گفتمان‌های متخاصم هستند، بررسی می‌شوند. در عنوان طرح، مهم‌ترین واژه‌ای که دلالت‌هایی در این زمینه دارد، واژهٔ «حمایت» و در بخش تعاریف و اصطلاحات (مادهٔ ۱ طرح) اصطلاح «گذرگاه ایمن مرزی» واجد این نوع از دلالت است.

واژهٔ حمایت: مهم‌ترین واژه‌ای که در این طرح دارای بار ایدئولوژیک است، واژهٔ «حمایت» است. عنوان طرح یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن است و واژهٔ «حمایت» واژه‌ای کلیدی در آن است که در عنوان طرح سابق نیز با واژهٔ صیانت مطرح بود. در نسخهٔ قبلی طرح فعلی (نسخهٔ ۶ تیر ۱۴۰۰) نیز این واژه در عنوان طرح به کار رفته است، اما در نسخه‌های بعدی نام طرح دستخوش تغییر اساسی می‌شود و به «نظام تنظیم مقررات فضای مجازی» تبدیل می‌شود. در جای‌جای این طرح نیز از واژگانی همچون صیانت و حمایت استفاده شده است که متعلق آن، کاربران ایرانی، خدمات پایهٔ کاربردی داخلی، محتوای داخلی، خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان است. عبارت «حمایت

بازیگران فعالی هستند که در مقام سیاست‌گذار و تنظیمگر این عرصه را مدیریت می‌کنند. جهت‌گیری طرح درباره این دو موجودیت اعطای عاملیت یا سلب / محدودکردن عاملیت است. اعطا و سلب عاملیت در متن در قالب جعل و سلب اختیار متجسد می‌شود. همچنین مواردی همچون میزان سهم از صندلی‌های تصمیم‌گیری نیز دلالت‌های این‌چنینی دارد. سه موجودیت دیگر (پلتفرم‌های داخلی، پلتفرم‌های خارجی، مردم) بازیگران نسبتاً منفعلی هستند که از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حاکمیت یا دولت متأثر می‌شوند. جهت‌گیری طرح درباره این ۳ موجودیت در قالب مضامین حمایت و طرد صورت‌بندی می‌شود که در قالب‌های زبانی متنوعی تجسد می‌یابد.

نتیجه بررسی تفصیلی متن طرح براساس این چهارچوب در قالب جدول ۱ منعکس شده است.

طرح حمایت از آن به «گذرگاه ایمن مرزی» تعبیر شده و این اسم برای آن ساخته شده است. علت این امر را می‌توان در حساسیت امنیتی-اقتصادی گیت‌وی ریشه‌یابی کرد که مجموعه طراحان و حامیان طرح را بر آن داشته که اختیار تصمیم‌گیری در مورد آن را از انحصار وزارت ارتباطات (با صلاحیت فنی) و برخی نهادهای دولتی خاص دیگر خارج کنند و به یک کارگروه با ترکیبی متشکل از آن وزارتخانه و برخی نهادهای نظامی، امنیتی، قضایی و اگذار کنند. استفاده از کلمه «مرز» که دلالتی امنیتی-نظامی دارد، به جای استفاده از گذرگاه و دروازه که بر ماهیت فنی دلالت دارد، را می‌توان در راستای توجیه چرایی مشارکت‌دادن نهادهای مذکور در امر سیاست‌گذاری و مدیریت گیت‌وی دانست.

۳-۳-۲. موجودیت‌های مطرح در متن طرح

با تأمل دقیق در متن و توجه به صورت‌بندی‌های مطرح‌شده، مشخص می‌شود متن به پنج موجودیت حاکمیت (به معنای غیرشامل نسبت به دولت)، دولت، مردم، بازیگران فضای مجازی داخلی (مالکان پلتفرم‌ها و محتواها) و بازیگران فضای مجازی خارجی (مالکان پلتفرم‌ها و محتواها) توجه دارد. از بین این ۵ موجودیت، ۲ موجودیت حاکمیت و دولت

جدول ۱: جهت‌گیری طرح درباره ۵ موجودیت

موجودیت	جهت‌گیری طرح	مستند و شرح
حاکمیت	اعطای عاملیت	ماده ۳ (ترکیب اعضای کمیسیون) / مواد ۴ و ۵ (وظایف و اختیارات کمیسیون) همچنین در اکثر مواردی که اختیارات دولت کاهش یافته، عاملیت و اختیارات به حاکمیت (به‌ویژه کمیسیون) منتقل شده است.
دولت	سلب یا محدود کردن عاملیت	ماده ۶ (اصلاح قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات) ماده ۷ (تکلیف به ایجاد خدمات پایه کاربردی در صورت وجود شرایط مذکور) ماده ۸ (کمیسیون به‌مثابه نهاد بالادستی کمیسیون تنظیم مقررات وزارت ارتباطات) ماده ۹ (تشکیل کارگروه مدیریت گذرگاه ایمن مرزی) مواد ۱۰ و ۱۱ / بند «ذ» ماده ۳۲ / ماده ۳۶ / ماده ۳۷
مردم	حمایت	عنوان طرح بخش‌هایی از فصل چهارم (حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی)
پلتفرم‌های داخلی	حمایت	ماده ۱۲ فصل چهارم (حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی) مواد ۱۳ تا ۲۴ / ماده ۲۵ (تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی) / ماده ۲۷ (ضمانت اجراها)
پلتفرم‌های خارجی	طرد	ماده ۱۲ / فصل چهارم (حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی) مواد ۱۳ تا ۲۴ / ماده ۲۵ (تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی) / ماده ۲۷ (ضمانت اجراها) / ماده ۳۲ / ماده ۳۳

این جدول و کل پژوهش حاضر، مقصود از کمیسیون، کمیسیون عالی تنظیم مقررات (ذیل شورای عالی فضای مجازی) است که طراحی نهادی طرح حمایت مبتنی بر محوریت بخشی به آن انجام شده است. همچنین هر جا از حاکمیت سخن گفته شده، مقصود از آن نهادهای حاکمیتی غیردولتی (مرتبط به عرصه حکمرانی فضای مجازی) است.

۳-۳-۳. تنازع‌ها در متن طرح

شناخت تنازع‌ها (قطب‌بندی‌های متونی همچون خطابه‌ها، بیانیه‌ها و مناظرات سیاسی معمولاً آسان است، اما قطب‌بندی‌های متن قانونی معمولاً در لایه ظاهری آن نیست و به تدقیق بیشتری نیاز دارد. قطب‌بندی‌های حاکم بر طرح حمایت به همراه بخشی از طرح که مستند آن است، در جدول ۱ نشان داده شده است. در

جدول ۲: تنازع‌ها (قطب‌بندی‌ها) در طرح حمایت

مستند و شرح	قطب ۲ (دیگری)	قطب ۱ (خود)
عنوان طرح	پلتفرم‌ها و خدمات پایه کاربردی خارجی	کاربر ایرانی، خدمات پایه کاربردی
تعریف گذرگاه ایمن مرزی در ماده ۱	خارج کشور	داخل کشور
تعیین اعضای کمیسیون در ماده ۳: ۱۱ عضو حاکمیتی در مقابل ۶ عضو دولتی و ۱ نماینده از بخش خصوصی (۳ نماینده هم به‌عنوان عضو ناظر حضور دارند)	دولت	نهادهای حاکمیتی غیردولتی
بند ۸ ماده ۴ (وظایف کمیسیون عالی)	متخلفان	کمیسیون، کاربران ایران
بندهای ۱۳ و ۱۴ ماده ۴	خدمات پایه کاربردی خارجی	کمیسیون، خدمات پایه کاربردی داخلی و بومی
بند ۱۵ ماده ۴ و بند ۵ ماده ۱۳ (صندوق حمایت)	متخلفان	کمیسیون، کودکان و نوجوانان - خانواده
در بند چ ماده ۵ بیان شده در صورت امتناع رئیس کمیسیون از تشکیل جلسه، دادستان کل جلسه را تشکیل خواهد داد. در بند ذ ماده ۳۲ بیان شده که در صورت امتناع دبیر کمیسیون از تشکیل جلسات و ابلاغ مصوبات، او به مجازات انفصال از خدمت محکوم می‌شود. چنین مواردی (که شواهد مختلف بیرونی نیز دارد) و گونه‌ها و شدت ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده نشان می‌دهد که ذهنیت طراحان آن است که بسیار محتمل است رئیس کمیسیون (دبیر شورای عالی) بخواهد در کار آن اخلال ایجاد کند.	رئیس کمیسیون (دبیر شورای عالی)	قانون‌گذار، دادستان
در بند ح ماده ۵ بیان شده که تعیین اولویت دستور جلسات به عهده رئیس است، مگر اینکه ۹ نفر از اعضا اولویت دیگری داشته باشند. این بند به ملاحظه بند ج همین ماده (دال بر اینکه با درخواست مکتوب سه نفر از اعضا باید جلسه کمیسیون تشکیل شود) نشان می‌دهد نوعی قطب‌بندی بین رئیس کمیسیون و اعضای آن برقرار است. تجربه عملکرد شورای عالی و نهادهای ذیل آن در طول سال‌های فعالیت (به‌ویژه در دوران دولت آقای حسن روحانی) نشان می‌دهد در بسیاری از موارد دولت نگاه مثبتی به شورا و نهادهای ذیل آن نداشته و کوشیده است تا با سازوکارهایی، همچون عدم تشکیلات جلسات یا طرح دستور جلسات کم‌اهمیت آن را فاقد اثر کند. مطالعه مباحثات حول طرح حمایت و صحبت‌های نگارنده با برخی از مهم‌ترین طراحان و حامیان نشان می‌دهد که این ذهنیت در آن‌ها وجود داشته است.	رئیس کمیسیون (دبیر شورای عالی) { و نیز اعضای غیرحاکمیتی }	اعضای کمیسیون (تلویحاً ناظر به اعضای حاکمیتی)
بند د ماده ۵ بیان می‌دارد که شورا می‌تواند با اکثریت آرا به اصلاح مصوبات کمیسیون حداکثر ظرف مدت ۲۰ روز اقدام کند، در غیر این صورت مصوبات کمیسیون لازم‌الاجرا است. تجربه رکود نسبی شورای عالی در بسیاری از سال‌های فعالیت آن (به‌ویژه در دوران دولت آقای حسن روحانی) سبب شده که طراحان سازوکاری طراحی کنند که بی‌عملی یا کم‌عملی شورای عالی مانع عملکرد کمیسیون نشود. می‌توان این‌گونه فرض کرد که کمیسیون قرار است نهادی چالاک و هم‌سو با حاکمیت باشد که در دل شورا (به‌مثابه نهادی غیرچالاک و گاه غیرهم‌سو) قرار گرفته، از اعتبار آن استفاده می‌کند و از سلطه آن تا حد ممکن خارج است.	شورای عالی	کمیسیون

مستند و شرح	قطب ۲ (دیگری)	قطب ۱ (خود)
از ابتدای ظهور فناوری اطلاعات و سپس فضای مجازی به شکل کنونی آن، وزارت ارتباطات یکی از مهم‌ترین نهادها در زمینه اجرا، تنظیمگری و حتی بعضاً سیاست‌گذاری بوده است. با این همه در ترکیب اعضای کمیسیون، نقش این وزارتخانه (و به‌طور کلی دولت) کم‌رنگ است. همچنین در ماده ۶ اختیارات وزارت ارتباطات و نهاد تنظیمگر ذیل آن (کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات) به کمیسیون منتقل شده است و براساس ماده ۸ کمیسیون به نهاد بالادستی کمیسیون تنظیم مقررات وزارت ارتباطات تبدیل شده است. وقتی نهادی که تاکنون نقش محوری در این عرصه داشته در این طرح نادیده گرفته می‌شود و نقش و اختیارات آن محدود می‌شود و به نهاد دیگری واگذار می‌شود، می‌توان نوعی قطب‌بندی را در این زمینه شناسایی کرد. در واقع در این استدلال بر وجهه «طرده» گفتمان تکیه شده است.	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	کمیسیون
ماده ۹ اختیار تصمیم‌گیری در موضوع گذرگاه ایمن مرزی (گیت‌وی) را که تا پیش از آن در اختیار وزارت ارتباطات بود، به عهده کارگروهی متشکل از رئیس مرکز ملی و نمایندگان ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان پدافند غیرعامل و قوه قضائیه می‌سپارد. مواد ۱۰ و ۱۱ نیز فضای مشابهی دارند. انتقال اختیارات نشان‌دهنده نوعی قطب‌بندی (خود - دیگری) است.	وزارت ارتباطات	نهادهای حاکمیتی
عمده فصل چهارم (مواد ۱۴ تا ۲۴) به حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی از طرق مختلفی همچون تخصیص بودجه حمایتی، معافیت‌های مالیاتی، تعیین حداقل ترافیک و غیره اختصاص دارد.	خدمات پایه کاربردی خارجی	خدمات پایه کاربردی داخلی
بند ۶ ماده ۱۳ (حمایت از تولید و انتشار محتوای بومی مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی) تعیین حق‌السهم از محل وجوه حاصل از فروش ترافیک برای تولیدکنندگان محتوای داخلی در ماده ۱۵	محتوای خارجی	محتوای بومی
بخش‌های مختلفی از ماده ۲۵ (تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی)	کشورها و پلتفرم‌های خارجی - پلتفرم‌های داخلی متخلف	کاربران ایرانی
ماده ۲۶	ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی (داخلی و خارجی)	کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه
روح حاکم بر بسیاری از مواد طرح، از جمله مواد ذیل فصل سوم (ماده ۱۲) و چهارم (مواد ۱۳ تا ۲۴) و نیز تبصره ۲ ماده ۲۸ این است که عملکرد پلتفرم‌های خارجی معمولاً در تضاد با مصالح مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است و اگر نتوان آن‌ها را به پذیرش قوانین مندرج در طرح الزام کرد (به‌طور متعارف بعید است چنین شود) باید آن‌ها را از صحنه فضای مجازی کشور حذف کرد. همچنین سخت‌گیری‌های مطرح‌شده در ماده ۳۳ درباره ابزارهایی همچون وی‌پی‌ان و فیلترشکن نیز مؤید این امر است.	خدمات پایه کاربردی خارجی	حاکمیت جمهوری اسلامی ایران
در تبصره ۲ ماده ۲۸ بیان شده در صورتی که خدمات پایه کاربردی داخلی به تعهدات این قانون تن ندهند، وزارت ارتباطات موظف است جایگزین داخلی برای آن‌ها ایجاد کند. اگر وزارت ارتباطات از این کار سر باز زند، سازمان برنامه و بودجه مبلغی را در اختیار مرکز ملی قرار می‌دهد تا خود رأساً در این خصوص اقدام کند. این نوع از تقنین نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار احتمال جدی ترک فعل از سوی وزارت ارتباطات را می‌دهد و در مقابل، مرکز ملی را امینی معتمد می‌داند.	وزارت ارتباطات	مرکز ملی

مستند و شرح	قطب ۲ (دیگری)	قطب ۱ (خود)
در ماده ۳۶ کلیه دستگاه‌های اجرایی ملزم به رعایت مصوبات شورای عالی و کمیسیون شده‌اند و برای هرگونه اجرا نکردن، تأخیر و اجرای ناقص مجازات درجه پنج یا شش پیش‌بینی شده است. با وجود الزام عامی که در ماده ۳۶ وجود دارد، اما در ماده ۳۷ وزارت ارتباطات مکلف دانسته شده که مصوبات شورای عالی در زمینه شبکه ملی اطلاعات و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی را در زمان مقرر به اتمام برساند. این امر و بندهای دیگری که در سطور پیشین جدول به آن‌ها اشاره شد نشان می‌دهد که نوعی بدبینی به وزارت ارتباطات وجود دارد و این وزارتخانه ذیل «دیگری» طبقه‌بندی می‌شود.	وزارت ارتباطات	شورای عالی

طرح حمایت (نسخه ۶ تیر ۱۴۰۰) این یک صندلی نیز نبود و در نسخه بعدی که در کمیسیون ویژه مجلس با عنوان طرح نظام تنظیم مقررات فضای مجازی مطرح شد، نیز با توجه به ارجاع آن به مصوبه قدیمی شورای عالی در خصوص کمیسیون تنظیم مقررات (مصوبه جلسه هشتم در سال ۱۳۹۱) نماینده‌ای برای بخش خصوصی در نظر گرفته نشده است. این نکته در مورد مصوبه جدید شورای عالی فضای مجازی نیز صادق است (Description of the duties of the High Regulatory Commission, 2022).

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که مردم و کاربران ایرانی در این صورت‌بندی به‌مثابه یکی از دو قطب نیستند، بلکه موضوع تنازع بین دو قطب را شکل می‌دهند، به این ترتیب که حاکمیت و پلتفرم‌های داخلی به دنبال آن هستند که از مردم در برابر دولت ناهم‌سو و پلتفرم‌های خارجی محافظت کنند. این تصویر را می‌توان بر اساس مدل مثلث کارپمن^۲ توضیح داد که در آن «حاکمیت و پلتفرم‌های داخلی» (خصوصاً اولی) در نقش ناجی^۳، مردم و کاربران ایرانی در نقش قربانی^۴ و دولت و پلتفرم‌های خارجی در نقش عامل آسیب‌رسان^۵ تصویر شده‌اند. لازم به ذکر است که بی‌تردید، قرارگیری دولت و «پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای خارجی» در یک سو به معنای یکسان‌انگاری آن‌ها نیست.

ریشه مستقیم تاریخی قطب‌بندی اول به تجربه بیش از یک دهه فعالیت شورای عالی فضای مجازی بازمی‌گردد؛ چه دولت آقای احمدی‌نژاد و چه دولت آقای روحانی به نقش‌آفرینی شورا تمایلی نداشتند و با سازوکارهایی مانع از حضور پررنگ آن در سیاست‌گذاری فضای مجازی می‌شدند.

ریشه تاریخی قطب‌بندی دوم به تجربه منفی جمهوری اسلامی ایران از عملکرد پلتفرم‌های خارجی بازمی‌گردد. نقش شبکه‌های

براساس داده‌های تفصیلی در جدول ۲ دو قطب‌بندی کلی شناسایی می‌شود:

۱. حاکمیت در مقابل دولت^۱: در این قطب‌بندی حاکمیت (متمثل در نهادهایی همچون شورای عالی فضای مجازی؛ مرکز ملی فضای مجازی؛ نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی؛ قوه قضائیه و دادستانی) به‌مثابه خود و دولت (متمثل در نهادهایی همچون وزارت ارتباطات، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و سایر وزارت‌خانه‌ها و حتی شخص دبیر شورای عالی) به‌مثابه دیگری صورت‌بندی می‌شود. ریشه این صورت‌بندی را مستقیماً می‌توان در تجربه ده‌ساله عملکرد شورای عالی فضای مجازی و تعارض‌های متعدد حاکمیت - دولت در این بازه زمانی در دولت‌های آقایان احمدی‌نژاد و روحانی جست‌وجو کرد. شایان ذکر است که مجلس شورای اسلامی در این صورت‌بندی غایب است و تنها در قالب سه عضو ناظر در کمیسیون حضور دارد.

۲. «پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای داخلی» در مقابل «پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای خارجی»: در این قطب‌بندی، پلتفرم‌ها و محتوای داخلی به‌منزله خود و پلتفرم‌ها و محتوای خارجی به‌منزله دیگری است.

از میان این دو قطب‌بندی، اولی اصیل‌تر به نظر می‌رسد. شاهد این مدعا آن است که برای بخش خصوصی داخلی فعال در حوزه فضای مجازی، نقش چندانی در حوزه تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی پیش‌بینی نشده است و تنها یک صندلی از هجده صندلی شورا (شورا سه عضو ناظر از مجلس شورای اسلامی نیز دارد) برای آن در نظر گرفته شده است که البته در نسخه قبلی

۱. براساس ماده ۲ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی، دبیر شورا که ریاست مرکز ملی فضای مجازی را نیز بر عهده دارد، با پیشنهاد رئیس شورا و براساس نظر موافق اکثریت مطلق اعضای شورا، به مقام معظم رهبری پیشنهاد شده و پس از تصویب معظم‌له با حکم رئیس شورا منصوب خواهد شد. (براساس طرح حمایت، دبیر شورا علاوه بر ریاست مرکز ملی، ریاست کمیسیون عالی تنظیم مقررات را نیز بر عهده خواهد داشت.) بررسی ترکیب اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی، جایگاه عالی رئیس جمهور (به‌مثابه رئیس شورا) در آن و نیز مرور بیش از یک دهه تاریخچه آن نشان می‌دهد که در عمل رئیس جمهور نقش مهمی در تعیین رئیس شورای عالی دارد و لذا رئیس شورا لااقل تا حدی نزدیک به رئیس دولت است.

2. Karpman drama triangle

3. Rescuer

4. Victim

5. Persecutor

دال‌های حاکمیت و بازیگران فضای مجازی داخلی در یک سوی تنازع و دال‌های دولت و بازیگران فضای مجازی خارجی در سوی دیگر این تنازع هستند. همچنین دال‌های مرتبط به ارزش‌ها نیز نقش مهمی در مفصل‌بندی گفتمانی دارند. دال‌های مبتنی بر ارزش و ضدارزش و مستند هریک در متن طرح عبارت‌اند از:

• امنیت (در مقابل عدم امنیت): بند پ ماده ۱؛ بند ۸ ماده ۲؛ مواد ۹، ۱۰، ۱۱؛ ماده ۲۵ (برخی بندها)

• استقلال (در مقابل وابستگی): که در دوقطبی فضای مجازی داخلی و خارجی مورد تأکید قرار گرفته است. به مواد مرتبط به این ارزش در طرح در بخش «موجودیت‌های مطرح در متن طرح» اشاره شد.

• سلامت (در مقابل عدم سلامت): بندهای ۱۵ و ۱۷ ماده ۲؛ ماده ۱۳؛ ماده ۲۵ (برخی بندها)؛ ماده ۲۶

دال‌های خالی: در چهارچوب والتون و بون، دال خالی در هریک از گفتمان‌ها، محور اتصال دال‌های مرکزی با دال شناور است و خودش ذیل دال شناور قرار می‌گیرد. با توجه به دال شناور و دال‌های مرکزی شناسایی شده، می‌توان گفت دال مردم (کاربران) نقش دال خالی را ایفا می‌کند که البته به دو معنای متفاوت در دال خالی هریک از گفتمان‌ها بروز و ظهور می‌یابد. در گفتمان مدنظر طرح صیانت، مردم به‌مثابه موجودیتی در ارتباط با حاکمیت و بازیگران فضای مجازی داخلی تعریف می‌شود که با دال‌های مرکزی امنیت، استقلال و سلامت مرتبط است و می‌توان نام «مردم اخلاق‌گرا» را بر آن نهاد. در سوی دیگر، آنچه به‌عنوان رقیب گفتمانی مطرح می‌شود، دال مردم که می‌توان نام «مردم غیراخلاق‌گرا یا لذت‌گرا» را بر آن نهاد، در ارتباط با دولت و بازیگران فضای مجازی خارجی است و با دال‌های مرکزی عدم امنیت، وابستگی و عدم سلامت مرتبط است.

۳-۴. گام چهارم: تجزیه و تحلیل سازماندهی درونی هر

گفتمان

مبتنی بر تحلیل موجودیت‌ها و تنازع‌ها، زنجیره هم‌ارزی که گفتمان حاکم بر طرح حمایت تشکیل می‌دهد شامل دال‌های مرکزی حاکمیت، بازیگران فضای مجازی داخلی، امنیت، استقلال و سلامت است. در نقطه مقابل، زنجیره هم‌ارزی گفتمانی که به‌عنوان رقیب بازنمایی شده، شامل دال‌های دولت، بازیگران فضای مجازی خارجی، ناامنی، وابستگی و عدم سلامت است. چنان‌که ذکر شد، دال‌های مرکزی در هر دو گفتمان دو گونه‌اند: دال‌هایی از سنخ نهادها و موجودیت‌ها، دال‌هایی از سنخ ارزش‌ها و ضدارزش‌ها. از آنجا که تعارض و نزاع اولاً و بالذات در سطح نهادی در متن طرح متبلور است و دال‌های ارزشی به‌عنوان پشتیبان این نزاع مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، در ترسیم زنجیره هم‌ارزی برای هر گفتمان دو سطح

اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر در سال ۱۳۸۸، تلگرام در سال ۱۳۹۸ و اینستاگرام در سال ۱۴۰۱ در اعتراضات، آشوب‌ها و فتنه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران سبب شد که بخش مهمی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به پلتفرم‌های خارجی به‌حق بدبین باشد. تجربه شکست‌خورده تعامل با پلتفرم‌های خارجی، به‌ویژه تعاملی که با تلگرام شکل گرفت و نهایتاً شکست خورد، نیز در این زمینه اثرگذار بوده است.

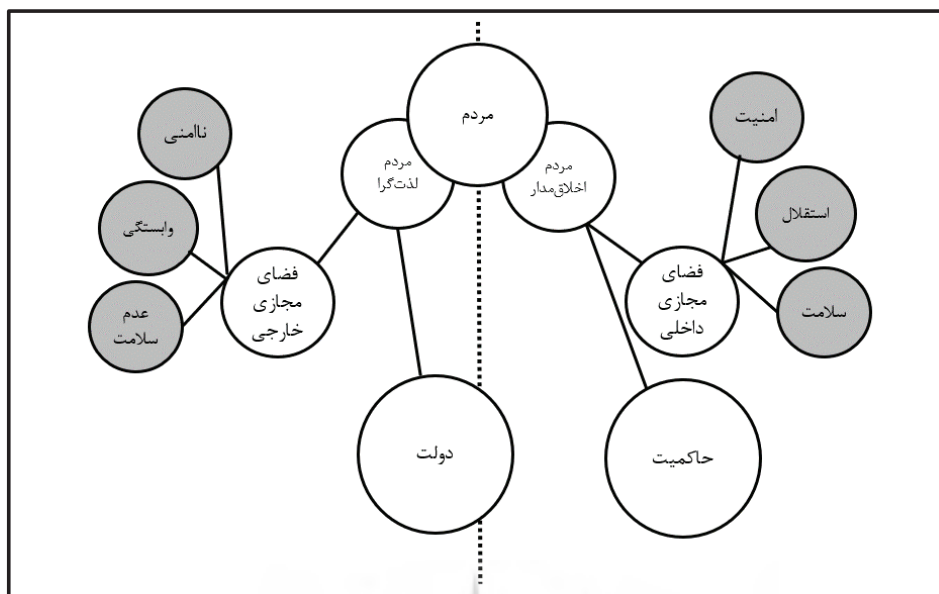
۳-۲. مرحله دوم از گام سوم: شناسایی دال شناور، دال‌های خالی و دال‌های مرکزی

پیش از اجرای این مرحله باید توجه داشت که مراد لاکلا و موف از گفتمان نه فقط زبان بلکه تمامی پدیده‌های اجتماعی است. از نظر آن‌ها فرایندهای گفتمانی فقط به نظام‌های نشانه‌ای شناخته‌شده (زبان گفتاری و نوشتاری، ارتباطات بصری، مد و معماری) اختصاص ندارد، بلکه همه حوزه‌های اجتماعی را شامل می‌شود (Jørgensen and Phillips, 2021: 62). به همین علت، در ترسیم نقشه گفتمانی نهادها و موجودیت‌ها نیز به‌مثابه دال در نظر گرفته شده‌اند.

بر اساس تحلیل متنی انجام‌شده در مرحله اول از گام سوم، دال شناور و دال‌های مرکزی و خالی به شرح ذیل شناسایی شدند: **دال شناور:** دال شناور متن، که محور تنازع گفتمانی از آن عبور می‌کند، «حمایت از مردم (کاربران فضای مجازی)» است. چنان‌که در بخش «قطب‌بندی‌ها در متن طرح» ذکر شد، مردم یکی از دو قطب تنازع نیستند، بلکه محور تنازع را شکل می‌دهند که گفتمان مدنظر طرح به‌دنبال حمایت از آن‌ها و گفتمانی که رقیب بازنمایی شده درصدد آسیب‌زدن به آن‌ها است. این امر در عنوان طرح فعلی با واژه «حمایت از کاربران...» و در نسخه‌های پیشین با واژه «صیانت...» نمود یافته است.

دال‌های مرکزی: چنان‌که ذکر شد، در روش لاکلا و موف، نهادها و موجودیت‌های اجتماعی نیز دال هستند. دال‌های مرکزی را می‌توان به دو گونه «نهادها و موجودیت‌های اجتماعی» و «ارزش‌ها و ضدارزش‌ها» بی‌ی که طرح به آن‌ها ارجاع می‌دهد، تقسیم کرد. در بخش «موجودیت‌های مطرح در متن طرح»، پنج موجودیت حاکمیت (به معنای غیرشامل نسبت به دولت)، دولت، مردم، بازیگران فضای مجازی داخلی (مالکان پلتفرم‌ها و محتواها) و بازیگران فضای مجازی خارجی (مالکان پلتفرم‌ها و محتواها) شناسایی شدند. از میان این موجودیت‌ها، چهار موجودیت حاکمیت، دولت، بازیگران فضای مجازی داخلی و بازیگران فضای مجازی خارجی دال‌های مرکزی هستند و دال مردم، از آنجا که در نسبت با دال شناور قرار دارد و محور تنازع از آن عبور می‌کند، در دال خالی دو گفتمان متنازع منعکس می‌شود.

نمودار ۲: نقشه گفتمانی طرح حمایت



گفتمانی طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی در نمودار ۲ ترسیم شده است. خط چین وسط مرز تضاد^۱ است که دو مفصل‌بندی گفتمانی رقیب را از یکدیگر جدا می‌کند. دال «حمایت از مردم» دال سیال^۲ است. دال خالی «مردم» در گفتمان حاکم بر طرح حمایت، در ارتباط با دال‌های مرکزی «حاکمیت»، «فضای مجازی داخلی»، «امنیت»، «استقلال» و «سلامت» قرار می‌گیرد و بر این اساس، معنای خاصی از مردم قصد می‌شود که از آن با عنوان «مردم اخلاق‌مدار» یاد کرده‌ایم. در مقابل، دال خالی «مردم» در گفتمان مطرود در ارتباط با زنجیره هم‌ارزی مشتمل بر دال‌های مرکزی «دولت»، «فضای مجازی خارجی»، «نامانی»، «وابستگی» و «عدم سلامت» معنا می‌شود که از آن با عنوان «مردم لذت‌گرا» یاد کرده‌ایم.

در ترسیم نقشه گفتمانی، نهادها (حاکمیت، دولت) و نیز فضای مجازی (پلتفرم‌ها و محتوا) را در مرکز و دال‌های مفهومی‌تر ارزشی (امنیت، استقلال، سلامت و معانی متضاد متناظر آن‌ها) را در پیرامون قرار داده‌ایم، چراکه تنازع اصلی در سطح معماری نهادی و توزیع قدرت است و تنازع در لایه دال‌های مفهومی‌تر تنازعی فرعی قلمداد می‌شود.

در نمودار ۲، مقصود از حاکمیت و دولت تجلی حضور آن‌ها در عرصه حکمرانی فضای مجازی در قالب نهاد‌های مرتبط است و نه مطلق حاکمیت و مطلق دولت. همچنین از آنجا که در این طرح کماکان دولت در عرصه حکمرانی فضای مجازی و

در نظر گرفته شده است. همچنین در ترسیم نسبت بین دال‌های ارزش و ضدارزش با دو دال حاکمیت/دولت و فضای مجازی داخلی/خارجی، از آنجا که ارزش‌ها و ضدارزش‌ها به جای حاکمیت یا دولت، به فضای مجازی داخلی و خارجی نسبت داده شده، همین نسبت در ترسیم زنجیره هم‌ارزی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۵. گام پنجم: سوژگی

چنان‌که ذکر شد، سوژگی‌یافته‌های سیاسی با حاضرکردن یک معنا و هویت (درباره آنچه مثبت می‌پندارند) یا غایب‌کردن آن (درباره آنچه منفی می‌پندارند) وارد نبرد گفتمانی می‌شوند. از آنجا که هر پنج موجودیت (حاکمیت، دولت، مردم، فضای مجازی داخلی و فضای مجازی خارجی) در طرح حضور دارند، کیفیت‌های حضور و غیاب را باید در ارزش‌های مورد توجه و به تبع آن کیفیت حاضرکردن این موجودیت‌ها جست‌وجو کرد. در گفتمان حاکم بر طرح و نیز آنچه به‌عنوان رقیب گفتمانی مطرح می‌شود، حضور سوژه‌ها صرفاً در نسبت با ارزش‌ها و ضدارزش‌هایی همچون امنیت (عدم امنیت)، استقلال (وابستگی)، سلامت (عدم سلامت) تعریف می‌شود و مردم، بخش خصوصی و دیگر موجودیت‌ها از حیث سایر اهداف و خواسته‌هایشان در گفتمان حاکم بر طرح (و نیز گفتمان رقیب) غایب هستند.

۳-۶. ترسیم نقشه گفتمانی

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده در بخش‌های پیشین، نقشه

1. Antagonistic frontier

2. Floating signifier

ایران در ابعاد سیاسی، امنیتی و فرهنگی سبب شده که در این طرح نگاهی شدیداً منفی به آن‌ها وجود داشته باشد. چنان‌که ذکر شد، اولاً عملکرد این پلتفرم‌ها در اعتراضات، آشوب‌ها و فتنه‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ و ثانیاً تجربه شکست‌خورده تعامل با پلتفرم تلگرام در ایجاد این نگاه بدبینانه مؤثر بوده است.

۵. علاوه بر نگاه فنی - تکنیکی به حکمرانی فضای مجازی، نگاه قضایی - امنیتی به حکمرانی فضای مجازی نیز در این طرح پررنگ است که این امر به‌ویژه در فصل ششم (مسئولیت‌ها و ضمانت اجراها: مواد ۲۷ تا ۳۷) مشهود است.

۶. در این طرح برای مشارکت‌دادن بخش خصوصی داخلی در فرایندهای حکمرانی، یک صندلی برای نماینده نظام صنفی رایانه‌ای در کمیسیون عالی در نظر گرفته شده است که از این حیث اقدامی روبه‌جلو در جهت استفاده از ظرفیت بخش خصوصی تلقی می‌شود. البته این امر در نسخه پیشین طرح (نسخه ۶ تیرماه) وجود نداشت و در نسخه‌های بعدی (طرح نظام تنظیم مقررات) نیز حذف شد.

به‌ویژه کمیسیون عالی حضوری مؤثر دارد، نمی‌توان دال دولت را کاملاً ذیل گفتمان مطرود قرار داد و به همین علت در ترسیم نقشه گفتمانی این دال در مرز تضاد و متمایل به گفتمان مطرود قرار داده شده است.

جمع‌بندی

بر اساس یافته‌های تحلیل گفتمان انجام‌شده در مورد طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی، می‌توان به نکات ذیل در مورد این طرح اشاره کرد:

۱. در این طرح به دولت به‌مثابه نهادی نگاه شده است که گاهی هم‌سو با اهداف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و گاهی ناهم‌سوی با آن است. مبتنی بر این نگاه، اختیارات دولت در این طرح محدود شده و به نهادهای حاکمیتی واگذار شده است.

۲. در این طرح به پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای خارجی نگاهی بدبینانه وجود دارد و تلاش شده است، با جایگزین کردن پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای داخلی به‌جای آن‌ها، با تهدیدهای پلتفرم‌های دیجیتال و محتوای خارجی مقابله شود؛ این امر از طریق سازوکارهایی نظیر الزام به اخذ مجوز (ماده ۱۲)، سیاست‌های تسهیم ترافیک داخلی و خارجی به نفع پلتفرم‌های داخلی (ماده ۱۷)، وضع ممنوعیت یا محدودیت ارائه خدمات دستگاه‌ها در پلتفرم‌های خارجی (مواد ۱۸، ۲۱ و ۲۲) و ارائه حمایت‌های مالی از پلتفرم‌های داخلی (ماده ۱۳) انجام شده است.

۳. تاریخچه عملکرد دولت‌های آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی در حوزه حکمرانی فضای مجازی و تعامل نامطلوبی که بین آن‌ها و نهادهای حاکمیتی همچون شورای عالی فضای مجازی شکل گرفت، در شکل‌گیری نگاه بدبینانه به دولت در این حیطه مؤثر بوده است. چنان‌که ذکر شد، نسخه اولیه طرح «حمایت...» در تاریخ ۶ تیر ۱۴۰۰ و نسخه بعدی در تاریخ ۲۶ تیر ۱۴۰۰ منتشر شد که هر دو پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری دوره سیزدهم (به تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۰) و مسجل‌شدن پیروزی دولت آقای رئیسی، به‌مثابه دولتی هم‌سو با حاکمیت، است. پیروزی دولت آقای رئیسی، خللی در اراده طراحان و حامیان آن وارد نکرد و این طرح با قوت از سوی آن‌ها پیگیری شد. این امر را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که حامیان طرح بر اساس تجربه منفی تاریخی از عملکرد دولت‌ها در عرصه حکمرانی فضای مجازی، به‌دنبال ساختن سنگ بنای محکمی برای حکمرانی فضای مجازی ذیل نهادهای حاکمیتی هستند که به این دولت و آن دولت وابسته نباشد و از تغییرات آن‌ها متأثر نشود.

۴. تاریخچه عملکرد پلتفرم‌های خارجی در جمهوری اسلامی

- rights" bill*. Available in: <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1667789>. {In Persian}
- ISNA News Agency (2022). *Request to return the protection bill to the parliament*. Available in: <https://www.isna.ir/news/1401011607513>. {In Persian}
- Jørgensen, M. W., and Phillips, L. J. (2021). *Discourse analysis as theory and method*, Translated by H. Jalili. Tehran: Nashr-e-Ney Publication {In Persian}
- Kaufmann, D. (2005). "Myths and Realities of Governance and Corruption". *SSRN Electronic Journal*, pp. 81–98. Available in: <https://doi.org/10.2139/ssrn.829244>
- Laclau, E., and Mouffe, C. (2001). *Hegemony And Socialist Strategy*, 2nd ed. Verso.
- Laughey, D. (2017). *Key Themes in Media Theory*, Translated by Y. Nourbakhsh. Tehran: Elmi Farhangi Publication. {In Persian}
- McQuail, D. (2006). *Mass Communication theory, An Introduction*, Translated by P. Ejlali. Tehran: Office of Media Development Studies Publication. {In Persian}
- Mehr News Agency. (2021a). *Support bill version of July 6, 2021*. Available in: <https://www.mehrnews.com/news/5245238>. {In Persian}
- Mehr News Agency. (2021b). *Support bill version of July 26, 2021*. Available in: <https://www.mehrnews.com/news/5260029>. {In Persian}
- Meuleman, L. (2008). *Public Management And The Metagovernance Of Hierarchies, Networks And Markets: The Feasibility Of Designing And Managing Governance Style Combinations*. Springer Science and Business Media Publication.
- Nazemi, A. (2021). *Iran's Internet technical architecture*. Available in: <https://itiran.com/2021/10/31/معماری-فنی-اینترنت-ایران/> {In Persian}
- Strate, L. (1999). "The varieties of cyberspace: Problems in definition and delimitation". *Western Journal of Communication* (Includes Communication Reports), 63(3), pp. 382–412.
- The bill for the protection of the rights of users in cyberspace and the organization of social messengers. (2020). Available in: <https://rc.majlis.ir/>
- Alef News Agency (2022). *Voting on the return of the protection bill to the parliament*. Available in: <https://www.alef.ir/news/4010122039.html>. {In Persian}
- Article 85 of the Islamic Republic of Iran's Constitution (1989). Available in: <https://www.shoragc.ir/fa/news/1806>. {In Persian}
- Azadi, J. (2018). "Cyber security or cyberspace security?" *Rushd's Thoughts*, 1(1), 164–168. {In Persian}
- Bashir, H. (2020). *Practical Discourse Analysis Method*. Tehran: Soroush Publication. {In Persian}
- Berger, A. A. (2019). *Media And Communication Research Methods: An Introduction to Qualitative Approaches*. Translated by E. Shahghasemi and M. Nirou. Tehran: Jahade Daneshgahi Publication. {In Persian}
- Cameron, D., and Panovic, I. (2014). *Working with written discourse*. Sage Publication.
- Computer Crime Law (2009). Available In: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/135717>. {In Persian}
- Description of the duties of the High Regulatory Commission (2022). Available in: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1751599>. {In Persian}
- European Union (2018). *General Data Protection Regulation (GDPR)*. Available in: <https://gdpr-info.eu/>
- Firouzabadi, S. A. (2020). *An introduction to cyberspace governance*. Tehran: Imam Sadiq University Publication. {In Persian}
- Fukuyama, F., and Grotto, A. (2020). "Comparative media regulation in the United States and Europe". *Social media and democracy: The state of the field and prospects for reform*, pp. 199-219. Cambridge University Press.
- Gillespie, T. (2017). "Governance of and by platforms". *The SAGE Handbook of Social Media*, pp. 254–278. SAGE Publications Ltd.
- IRNA News Agency (2021). *General approval of the bill for the regulation of cyber space*. Available in: <https://www.irna.ir/news/84659293>. {In Persian}
- Islamic Council Research Center (2021). *The process of dealing with the "Protection of users'*

fa/legal_draft/show/1600586. {In Persian}

The first order of the Supreme Leader of Iran for the Supreme Council of Cyberspace (2011). Available in: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=19225>. {In Persian}

The master plan and architecture of the national information network (2020). Available in: <https://rk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22455>. {In Persian}

The second order of the Supreme Leader of Iran for the Supreme Council of Cyberspace (2015). Available in: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=30658>. {In Persian}

The statutes of the National Center of Cyberspace of the Islamic Republic of Iran (2012). Available in: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/820227>. {In Persian}

Thomassen, L. (2005). "Antagonism, hegemony and ideology after heterogeneity". *Journal of Political Ideologies*, 10(3), pp. 289–309.

Thompson, N. (2005). "Inter-institutional relations in the governance of England's national parks: A governmentality perspective". *Journal of Rural Studies*, 21(3), pp. 323–334.

Walton, S., and Boon, B. (2014). "Engaging with a Laclau & Mouffe informed discourse analysis: a proposed framework". *Qualitative Research in Organizations and Management: An International Journal*, 9(4), pp. 351-370.



Discourse Analysis of the “Supporting Users’ Rights and Basic Applied Services in the Cyber Space” Bill

Alireza Ghorbani¹

Abdolkarim Khayami²

Abstract

The bill titled “Supporting Users’ Rights and Basic User Services in the Cyber Space” proposed in the Islamic Consultative Assembly can be considered one of the most important and contentious legislative proposals and policy documents in the governance and policymaking of the cyber space in the Islamic Republic of Iran. Although this bill, along with its preceding and subsequent versions, has not yet reached a conclusive stage in the Islamic Consultative Assembly, a detailed analysis can provide valuable insights for researchers and stakeholders in this field. The present study aims to examine and understand this bill through discourse analysis and explore the prevailing discourse surrounding it. The research adopts the innovative discourse analysis approach of Laclau and Mouffe, drawing on the Walton and Beon’s innovative approach. The results of this study are presented in the form of a discourse map of the «Supporting Users’ Rights and Basic User Services in the Cyber Space» bill. On this basis, supporting the people is a floating signifier that the dominant discourse on the plan, as well as the discourse that defines it as a rival, are in discursive conflict over. The empty signifier of people, which is present in the dominant discourse on the plan as moral people, is the axis of connection of the central signifiers of sovereignty and domestic cyberspace, and the central signifiers of security, health, and independence are also placed in relation to the signifier of domestic cyberspace.

Keywords: Discourse analysis, safeguarding bill, supporting users’ rights bill, Supreme Council of Cyberspace, Islamic Consultative Assembly

1. PhD Student in culture and communication, Imam Sadiq University, Tehran; a.r.ghorbani110@gmail.com

2. Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and culture and communication, Imam Sadiq University, Tehran.

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

پدیدآورندگان	علیرضا قربانی	عبدالکریم خیامی
نقش	نویسنده مسئول	نویسنده
نگارش متن	نگارش متن اصلی	نگارش متن اصلی
ویرایش متن و ...	ویرایش متن	ویرایش متن
طراحی / مفهوم پردازی	طراحی و مفهوم پردازی	طراحی و مفهوم پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده‌ها	گردآوری داده‌ها
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل و تفسیر داده‌ها	تحلیل و تفسیر داده‌ها
سایر نقش‌ها	—	—

ب) اعلام تعارض منافع

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: علیرضا قربانی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰